



## هزارتوی اساسنامه

اساسنامه فدراسیون فوتبال بحث اصلی و داغ این روزهای فوتبال ایران است. یک سوژه حساس و مناقشه برانگیز که با انفعال فدراسیون، فوتبال ایران را تا یک قدمی تعلیق و تشکیل کمیته انتقالی پیش برده. حذف نهادهای دولتی از اساسنامه فدراسیون نکته ایست که فیفا روی آن پافشاری می کند و در مقابل وزارت ورزش معتقد است که باید نقش نظارتی و بالادستی دولت در اداره فدراسیون ها حفظ شود چرا که بودجه را دولت می دهد. این معادله را چگونه باید حل کرد و مناقشه قدیمی و کلیشه ای چه زمانی پایان می یابد؟

آیا اصلاحات اساسنامه منجر به تغییرات اساسی می شود؟

# حرف های روی کاغذ

مازیار حکمت

۱ در اصلاح اساسنامه و آیین نامه انتخابات فدراسیون فوتبال، بحث برانگیزترین نکته تعریف فدراسیون فوتبال به عنوان نهاد غیردولتی یا نهاد عمومی غیردولتی است. کلمه عمومی در ادبیات حقوقی ایران فدراسیون فوتبال را بیش از همیشه زیر سایه دولت می برد و حذف کلمه عمومی به خواست و هشدار فیفا، فدراسیون فوتبال را به استقلال نزدیک می کند.

اما تمام اینها حرف های روی کاغذ است. دخالت دولت در امور فدراسیون فوتبال روزی می تواند پایان یابد که فوتبال در ایران جریانی حرفه ای داشته باشد، جریانی مستقل و کارآمد، بدون وابستگی های مالی و مدیریتی. وقتی فدراسیون فوتبال در یکی از آخرین بحران هایش ۲ میلیون یورو از منابع دولتی یا عمومی قرض می کند و پرداخت این بدهی نیز با توجه به خالی بودن صندوق فدراسیون در فیفا به آسانی و به زودی برای فدراسیون مقدور نیست، چگونه می توان با حذف یا اضافه کردن یک واژه در اساسنامه فدراسیون فوتبال درباره دولتی بودن یا دولتی نبودن فدراسیون بحث کرد؟ پرداخت بخشی از مطالبات مارک

ویلموتس، سرمربی سابق تیم ملی ایران به این شیوه فقط یک از هزاران است، انبوهی از وابستگی های پنهان و پیدای دیگر را نیز می توانیم مرور کنیم.

فدراسیون فوتبال ایران، فیفا و وزارت ورزش و جوانان، هر سه می دانند که این تغییر کلمات در اساسنامه تضمین کننده تحول تازه ای در فوتبال نیست، فقط شاید بتواند ظرفیت هایی را برای آینده بسازد.

آنچه فیفا را مجاب می کند که در تدوین اساسنامه به ظرافت ها توجه کند، ایجاد ظرفیت های تازه برای تغییر

است، وگرنه اینکه تمام دخالت ها و نظارت ها با حذف یک کلمه در اساسنامه تمام شود، به یک شعبده بازی شباهت دارد. فدراسیون فوتبال اگر بتواند با اصلاح آیین نامه انتخابات، رئیس بعدی فدراسیون را از دل مناسباتی سالم و حرفه ای بیرون بیاورد به بزرگترین موفقیت رسیده است.

اگر نتیجه تمام این بحث ها درباره اساسنامه و آیین نامه انتخابات، ایجاد مسیرهای تازه برای انتخاب رئیس فدراسیون باشد، فوتبال می تواند برای موفقیت خود جشن کوچکی بگیرد.

انتخابات رئیس جدید فدراسیون فوتبال با آیین نامه جدید و بدون محدودیت های گذشته شاید چهره تازه ای را به فوتبال بیاورد و آنگاه چه بسا بتوانیم درباره استقلال فدراسیون فوتبال وارد گفت و گوهایی واقعی شویم.

تا امروز هر چه هست، گفت و گوها بر اساس فرضیات یا بر اساس کدهای روی کاغذ است.

درباره اساسنامه جدید حتی اطلاعات رسانه ها برای بحث کافی نیست و در چنین شرایطی چطور می توان میزان اثرگذاری دولت در آینده فدراسیون را تشخیص داد؟

هوشنگ نصیرزاده چند روز پیش گفته بود: «در حال حاضر اطلاعات مردم

درباره کرونا خیلی بیشتر است تا اطلاعات متخصصان درباره اساسنامه فدراسیون فوتبال! ما اصلاً نمی دانیم چه کار کرده اند؟ تنها هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال، دبیرکل و دونفر از وزارت ورزش می دانند در مسیر اصلاح اساسنامه چه رخ داده است؟»

این پنهان کاری ها شانس بحث های جدی و مؤثر را سلب کرده وای کاش اساسنامه به بحث گذاشته می شد تا از جنبه های گوناگون ارزیابی شود، از جمله در زمینه کمرنگ شدن نقش دولت.

بگذارید این فوتبال بدون شما روی پاهای خود بایستد

## تیغ روی رگ گلوئی فوتبال

سام ستارزاده

## ۲

اگر در سه ماه گذشته تعاملی برپایه مصلحت ورزش کشور شکل می گرفت، وضعیت حقوقی فوتبال ایران به جایی نمی رسید که فرآیند اصلاح یک اساسنامه که ساختار آن را معین می کند، «اساسنامه نجات» نامیده شود. این نخستین باری نیست که سایه تعلیق و کمیته انتقالی تن و بدن ما را می لرزاند؛ ولی زیان های داستان اساسنامه ای که دوست دارد اصلاح نشود، فراتر از یک تعلیق برای فوتبال ملی و باشگاهی است.

اینکه اساسنامه اصلاح شود و به تأیید فیفا برسد، اولویت نخست نیست. اینکه بر فرض مثال، احسان حاجی صفی با بیش از ۱۰۰ بازی ملی بتواند عضو مجمع فدراسیون شود، آنچنان رخداد جذابی نیست. آنچه اهمیت دارد و نگرانمان می کند، دخالت در امور فدراسیون است، امری که به خاطر آن سال ها به فیفا دروغ گفتیم؛ رسوا شدیم و به اصلاح محکوممان کردند اما ترجیح دادیم سه ماه برابر اصلاحی که تقدیرمان است مقاومت کنیم تا رگ گلوئی فوتبالمان تیغ تعلیق را لمس کند.

با وجود این نگرش، امید حتی به تأثیرگذاری اساسنامه اصلاح شده امضا کنندگان ساختمان سنول پررنگ نخواهد بود. اگر شک دارید، به این جمله از مسئول حقوقی فدراسیون توجه کنید که می گوید: «حضور وزیر ورزش در مجمع فدراسیون به تبعاتش نمی آریزد.» یعنی

دخالت مستقیم وزارت ورزش که استقلال را از فدراسیون سلب کند، از ریشه غلط نیست؛ بلکه «به فشارهای فیفا نمی آریزد.» البته نباید منکر کمک های مالی چشمگیر دولت به فوتبال در سال های اخیر شد اما صرف حمایت های مادی و معنوی، هیچ فدراسیونی قرار نیست به اندازه ای مدیون دولت شود که خواست سران یک وزارتخانه در عزل و نصب رؤسای آن تأثیرگذار گردد. نتیجه دخالت در ورزش را می توانید در سیلاب بحران های استقلال و پرسپولیس به وضوح ببینید؛ بحران هایی از جنس ابهام، آغشته به بوی فساد و حاکی از ناتوانی منتخبین در اید پر دازی اقتصادی. اگر قرار است بنا بر حسن نیت و خیرخواهی فوتبال گذاشته شود، دولت پیش از دلار و یورو، به فدراسیون باید یک شخصیت مستقل اعطا کند. در این صورت، کار به کاردان ها سپرده می شود و ورزشی ها، نه در ظاهر و شعار گونه، بلکه به شکلی عملی، فوتبال را به جایگاهی برسانند که بتواند با حداقل نیاز به پشتیبانی دولتمردان روی پاهای خود بایستد.

صحبت های روزهای اخیر ارزش توجه فزاینده دارند. اگر بدون توجه به نام گوینده و غرض ورزی در این صحبت ها تأمل کنیم، در می یابیم که آن تغییر مسیری فوتبال ما را به ساحل آرامش می رساند، اصلاح یک اساسنامه نیست؛ بلکه اصلاح نگرش است؛ نگرشی حرفه ای که اعتقاد به آن در ورزش حرفه ای از بدیهیات به شمار می رود.